

ایستگاه بعدی "هفت تپه" کجاست؟

باید منتظر شد و دید. جواب این سوال را باید از خود نیشکری‌ها پرسید، از سندیکای آنها، از نمایندگان و سخنگویان آنها پرسید، ببینید آنها را از نظر گذرانند، گوش را روی کف خیابانها خواباند تا از سر و صدای تجمع بعدی خبر دار شد. تابستان گذشته را با اعتراض هر روزه جلوی فرمانداری شوش، بعد از آن در سالن کمیسیون امور اجتماعی ساختمان مجلس، قبلش در مذاکرات با رئیس قوه قضائیه، قبل تر از آن در زندان اوین و بعدتر از آن در کشمکش با اشغال کارخانه توسط نیروهای انتظامی؛ دو هفته پیش هم در فراخوان جلو دادگستری تهران و از، دو روز قبل، بیستم دی ماه، در مقابله با مزاحمت شرکت علیه فعالین کارگری.

هفت تپه یک اعتصاب است که پشت به اتحاد چهار تا پنج هزار کارگر داده و حق خود را میطلبد. در اهمیت و دامنه طبقاتی هفت تپه بسیار گفته شده، اما هیچ چیز به اندازه تماشای دشمنان هفت تپه در شتر- گاو - پلنگ ارگانها و دواير حکومت سرمایه با مهر دستجات اوپاش دزد و رشوه خوار و فاسد گویا نیست. اما در مورد آینده، اگر پای پیروزی در میان است، ایستگاه بعدی باید، تنها میتواند در دل کارخانه ها و مراکز تولیدی در سراسر ایران باشد.

هفت تپه، باید مستقیماً از طرف بخشهای مختلف کارگری در ایران مورد حمایت فعال قرار بگیرد. هفت تپه اعتبار سیاسی و اجتماعی برای اعتراض کارگری در ایران را در ابعاد عظیم جلو راند. اعتراض کارگری از فوران نارضایتی و عصیان زحمتکشان جان به لب رسیده به یک حرکت سازمان یافته، مدعی و با پرچم آلترناتیو معتبر پوست انداخت. این اعتراض رسوایی سیاسی و اجتماعی بورژوازی را به پیشانی طبقه حاکم حک کرد. مگر میشود کارگر

فصل دستمزدها، فصل ادعاها، فصل ستیزه جویی سراسری کارگری در ایران

طبقه کارگر ایران باید حتماً معطل تمام این قدمها باشد؟ کی گفته، تشکل چه طلسمی است که با اراده جمعی، با یک قسمنامه به جریان نمیآفتد؟ چرا باید افسار زدن چانه باوه گوی خانه کارگر و نمایندگان خود گمارده و شاید همین الان با اعلام قطعنامه مجامع عمومی کارگری از آب خوردن سخت تر باشد؟ یک بار دیگر در فصل دستمزدها یک مشت جانور ضد کارگر با باسنهای فربه سر بر میاورند و به خود حق میدهند برای کیسه های گشاد منافع نکبت خود تصمیم بگیرند ما کارگران چقدر و چگونه باید گرسنه بمانیم، از سرما بلرزیم، از درد و بیماری به خود بیچیم، با سگ های ولگرد بی خانمانی خود را تقسیم کنیم، جان بکنیم و قلب های خود را با حسرت انباشته سازیم...

هیچ کس حق ندارد موقعیت دشوار و فضای سرکوب فعالین کارگری و فضای سرکوب محیط های کارگری در ایران را دست کم بگیرد. اما صد بار بیشتر از آن، هیچ کس هم حق ندارد انتظار و توقع از طبقه کارگر و فعالین آن را دست کم بگیرد. این ورق باید برگردد. مقاومت و سرسختی های فردی غرور آفرین از پس دیوارهای بلند اوین و سپیدار باید به کف خیابانها و کف مراکز تولیدی راه باز کند، خونها را به جوش بیاورد، اعتماد و اتحاد را تقویت کند.

فصل دستمزدها، فصل گدایی، فصل فقر و مصائب و مرزهای تحناتی معیشت نیست، نباید باشد. میتینگ های فصل دستمزد باید در خیابانها و پاساژهای لوکس، در دل محلات اعیان نشین، در جوار هتل ها، مراکز بورس و بازرگانی برگزار شود؛ با طنین فریاد ظفره از خلق ثروت و نعمات برای مفت خوران؛ و عزم جزم روزی که میمانیم - عقب نمی نشینیم.

فصل دستمزدها، فصل لاطنالات مقامات دولتی، فصل چسناله های مظلومانه شوراچی های اسلامی نیست. بگذارید یکی پس از دیگری، از زبان بیانیه ها و قطعنامه مجامع عمومی کارگران مراکز تولیدی، در سلف سرویس، در رخت کن ها، در خط تولید در تجمعات بزرگ و کوچک؛ فصل دستمزدهای امسال فصل ادعاها و فصل اتمام حجت و فصل گامهای بلند اتحاد و ستیزه جویی سراسری کارگری در ایران باشد.



بهمن و اسفند سرآغاز بامبول و نمایشات دستمزدهای سالانه است. همان بساط همیشگی، همان شخصیت ها، همان سناریو، همان استدلالها، همان آش و همان کاسه نکبت سرمایه و همان بدتر شدن معیشت و موقعیت کارگران.

نمایندگان مجلس: پارسال پانزده درصد و در بودجه سال آینده رقم چهل درصد افزایش دستمزد را در محاسبات خود گنجانده اند. خانه کارگر: خزعلات مزد منطقه ای و موج سواری روی ارقام و اعداد مربوط به تورم و گرانی و خط فقر. خانه کارگر از در نارضایتی و انتقاد وارد میشود تا سر اعتراضات را با توهم و گدایی و ترس و استیصال به سنگ بکوبد.

مسخره کرده اند. میگویند "مذاکره" اما هر نفس کش از میان کارگران را زندانی میکنند و شکنجه میدهند؛ دم "از تورم و مخارج معاش" خانواده پنج نفره مطابق قانونشان میزنند تا فقر و باز هم فقر بیشتر را تحمیل کنند؛ منت کارشناسی در مزد منطقه ای و سراسری میگذارند، تا در بازی دستمزدهای معوقه به اصل استثمار وحشیانه خدمت کرده باشند.

قبول نکنیم، تن ندهیم!

مذاکرات دستمزدها باید با نمایندگان مستقیم و آزاد کارگران صورت بگیرد. نه دولت، نه ارگان موجب بگیران اسلامی سرمایه درخانه کارگر هیچ کاره اند. این حق کارگران است که در هر واحد تولیدی تشکل دلخواه خود را بسازند، آزادانه جمع بشوند، در مورد دستمزدها تصمیم بگیرند، در قدم بعد سندیکاها و مجامع عمومی با هم نمایندگان سراسری را به مذاکره اعزام کنند. اما کی گفته اعمال اراده جمعی و مستقیم و آزادانه

ادامه ایستگاه بعدی

بود، نان دسترنج خود را خورد، مگر میشود در مسیر دفاع از حق و زندگی خود منافع طبقاتی را تشخیص داد، مگر میشود به حکم یک همشهری منصف و با وجدان، مدافع هفت تپه نبود؟

تقلیل هفت تپه به "مقابله با خصوصی سازی" واقعی نیست. داستان نیشکری‌ها سرفصل متحد نگه داشتن شش هزار کارگر، کنترل بر کارخانه، خنثی کردن توطئه های بیشمار، دست و پنجه نرم کردن با انواع دستگاه های دولتی و سرکوب، بیرون کشیدن دستمزد از حلقوم کارفرما و دولت، داستان کارگر در موضع تعرضی است. حمایت از هفت تپه، پا گذاشتن بر جای پای هفت تپه است. بکارگیری همان تجربه ها و ظاهر شدن در همان هیبت است. با وجود هفت تپه، با تجربه زنده هفت تپه باید تشکیل سندیکای کارگری مثل آب خوردن باشد، مجامع عمومی کارگران، پیچاندن گوش مدیر عامل و تعطیلی شورای اسلامی پیش پا افتاده بنظر برسد، مبارزات جاری در کارخانه ها علیه "خصوصی سازی" الگوهای تازه بگیرد، پوست بیاندازد، و دور تازه ای بخود ببیند و

مبارزات سراسری کارگری در ایران کدام پروسه را پشت سر خواهد گذاشت، چه شکلی به خود خواهد گرفت؟ جواب این سوال ممکن نیست،

قابل پیش بینی نیست، این پدیده قبل از آنکه یک پدیده معرفتی باشد، قبل از آنکه یک پدیده اخلاقی و مربوط به شجاعت و تصمیم و نقشه از پیشی کس یا کسانی باشد؛ یک پدیده مبارزاتی است. هفت تپه به دینامیسم شکل گیری مبارزات سراسری کارگری در ایران تعلق دارد. هفت تپه میتواند گلوله برفی بزرگ موعود بر سر کوه بلندی باشد که در مسیر خود قرار میگیرد. حمایت و تقویت موثر و شایسته از هفت تپه از مجمع عمومی کوچک و بزرگ کارگران میتواند شروع بشود که شیپور مطالبات نیشکری ها را در هزاران مرکز تولیدی بصدا در میآورد. اگر "خصوصی سازی" اسم رمز حمله بورژوازی ایران به معیشت، دستمزد و موقعیت کارگران است، اگر هفت تپه استخوان در گلوئی کفتار اسلامی سرمایه شد، نوبت طبقه کارگر و مشخصا پیشروان مراکز تولیدی بزرگ در سراسر ایران است که با مبارزات سراسری بر سر مطالبات واحد و اثباتی، کل کاسه کوزه بورژوازی ایران را بر سرشان خراب کرد.

معرفتی اشتها و گستاخی، بی صبری و پافشاری شرط اولیه شکل گیری هر نطفه اتحاد و مبارزه جویی کارگری امروز ایران است: به سرمایه و حکومت آن نباید فرصت داد! تب هفت تپه باید و میتواند به جان مراکز کارگری در ایران بیافند. چرا باید همدلی و اعتماد و رزمندگی میان کارگران را دست کم گرفت؟

آزادی یورژوازی، آزادی کارگران

همکار کارگر! شب و روز دارن سر ما کارگران منت میدارن که گویا در مملکت و برای کارگران آزادی برقرار است. آیا خود تو آزادی؟ اختیار زندگیت دست خودت است؟

مطمئنم که آزادم!

بذار به کم فکر کنیم؛ چه کسی به شما اجازه کار می دهد؟

- کارفرما .

چه کسی روزکار، ساعت کار، نوع وظایف و مقررات کار را تعیین می کند؟

- کارفرما .

کی دستمزدت رو تعیین میکنه؟

- کارفرما .

چه کسی محصول کار شما را می فروشد، و سود را به جیب می زند؟

- کارفرما .

چه کسی میتواند یک روز استراحت تو را قبول یا رد کند؟

- کارفرما .

بنابراین، پس، تو از هیچ حقی نسبت به محصولات نیروی کار خود برخوردار نیستی، هر صبح تا شب باید به منافع و دستورات کارفرما تسلیم شوی؛ بدون اجازه کارفرما همه خانواده تو اسیر گرسنگی و سرما تلف خواهید شد؛ آیا این چیزی است که اسم آنرا آزادی گذاشته اند؟ اجازه بده ادامه بدهیم.

چه کسی این آزادی را دارد که با فرسودگی و استثمار همسر و فرزندان خانواده کارگری منافع بیشتری را به جیب بزند؟

- کارفرما .

چه کسی این آزادی را دارد که آن کار کارگر را مطابق منافع خود و مطابق سودآورترین روش سازمان بده و بکار بگیرد.

- کارفرما .

چه کسی این آزادی را دارد که وقتی دیگر به کارگر نیاز ندارد، او را بیرون بیاندازد؟ کارفرما .

چه کسی این آزادی را دارد که کارگران قدیمی، همان کارگرانی که ثروت تاکنونی را برایش خلق کرده اند، بیرون بیاندازد تا در بیغوله ها از گرسنگی تلف شوند؟

- کارفرما .

چه کسی آزاد است که در جواب خواست افزایش دستمزدها، کارگران را اخراج و با گرسنگی پا مجازات کند.

- کارفرما .

چه کسی این آزادی را دارد که از پلیس، سربازان و قضات و رسانه ها را علیه کارگران بکار بگیرد؟

- کارفرما .

دوست من! این چه وطن و چه استقلال و چه افتخاری است که همه آزادی ها را به کارفرما و همه بردگی و فرودستی و تسلیم را برای کارگران به ارمغان آورده و تازه منت هم بر گردن ما میگذارند؟

(اقتباس از لافارگ)

نشریه علیه بیکاری

مدیر مسئول: سیوان رضایی

سرمدیر: مصطفی اسدپور

تماس: آدرس ایمیل

info@a-bikari.com

مقالات این شماره توسط مصطفی اسدپور نوشته شده است. استفاده از مطالب با ذکر